

(بربان عربی) تألیف مولوی محمد مهدی واصف مدراس چاپ مدراس ۱۲۸۹ هـ
 ص ۴-۲۳ و استوری ج ۱ ص ۸۹۰ و سخنوران بلند فکر (اردو) تألیف مولوی محمد منور
 گوهر چاپ دانشگاه مدراس هندوستان ۱۲۵۲ هـ
فهرست اسامی شعرا
 رجوع شود به ایوان تودیل اول ص ۸-۱۰ (اسم ۷۰ شاعر)

محک شعرا

ابتدا

ای حمد تو آب و تان ابحار سخن وی دگر تو چشمه سارا نهار سخن
 از فیض تنای تو تمامی مه و سال آسیب خزان ندیده گلزار سخن
 بی بها حمدی که شمیمش دل‌های مرده را دردی دهد و جانها را شگری که نسیمش
 حسام‌های پز مرده را تا زگی بخشد حمد محمودیست جل جلاله و شکر مه
 عم نو ۴

مؤلف

اسم مؤلف محمد صالح شاملووی خراسانی است که از معاصرین فتحعلی شاه قاجار
 (۱۲۱۲-۱۲۶۰ هـ) بود (شرح حال مؤلف بدست بیامد)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب در سال ۱۲۵۲ هـ تألیف نموده است. (رجوع شود به مقدمه کتاب)
 در مورد سبب تألیف کتاب مؤلف در مقدمه چنین توضیح میدهد که از مدتی است
 بفرجه آوردی منتحیات اشعار شعرای معاصر بود اما بعزت گرفتاری بی‌گونه
 این فکر صورت عمل نمیگرفت تا اینکه در سال ۱۲۵۲ هـ در بلده حیدرآباد

از دوستان ...^۱

این کتاب مشتمل است بر دگر ۱۸۱ تن سخنگو بشمول فتحعلی شاه و شاهزادگان و امرای شعرای زمان وی و با «فتحعلی شاه قاجار» شروع شده با «میرزا وصال شیرازی» تمام می شود

مؤلف در ذیل شرح حال اکثر شعرا اطلاعات مهمی در گنج آنهارا مانند سال و محل ولادت و غیره را بیاورده است و اغلب عبارات آرائی پرداخته و آرا اکثر شعرا در دو سه سطر یاد کرده و از آنها دو سه بیت را نقل کرده است.

عجیب اینست که اکثر شعرای این کتاب معاصر مؤلف و حتی از رفقا و آشنایان وی بوده اند اما مؤلف شرح حال اکثر شعرا را خیلی مختصر آورده و اکثر اطلاعات ضروری را درباره رندگی آنها نداده است

اکثر شعرای این تذکره در تذکره های معاصر ایران ذکر شده اما ذکر بعضی از آنها مخصوصاً ذکر شعرای متأخر هندوستان در تذکره های دیگر ایران بیامده است اما بعضی از آنها در تذکره های هند ذکر شده اند. از جمله شعرای این تذکره شعرای ریر یا اصلا هندی بوده یا در موقع تألیف این تذکره در هند اقامت داشته اند.

چراغ علیخان آصف حاجی فطرت مار بندرانی و عمادقلی خان نصرت خان الشیر به دکنی و میر غنصر علیخان آراد کشمیری و میرزا نورالعین واقف هندی شاه جهان آبادی و برهان قلی خان لکناهوری (لکهنوی) و میر محمد حسین لکناهوری (لکهنوی) و میرزا محمد فاجر مکین بطری^۲ و میرزا علیقلی خان بی لاهوری.

در ذیل نام اشخاص ریر مؤلف شرح حال آنها را سببه مفصل آورده است. نشاط اصهبانی و طایر شیرازی و فاضل خان سوی همدانی (هر کدام در ۲ ص) و سمل شیرازی

۱- در نسخه کتاب بخا به علالت این عذرت با تمام مانده است.

۲- برای نورالعین واقف لک. در مردم دیده. ۳- برای میرزا محمد فاجر مکین و لک و ایبر، الاحساء.

(در ۲ ص) ونیری شیرازی (در ۳ ص) وفتحعلی شاه قاجار (در ۳ ص) وملك الشعراء
صبای کاشی (در ۴ ص - مفصل تر از سایرین).

در ذیل نام شعرای زیر اشعارشان را سة منسل آورده است. میرزا صبوری کاشی
(۶۰ بیت) وملك الشعراء صبای کاشی و حاوری تبریزی و حیران رشتی و خاور شیرازی
(از هر کدام ۷۰ بیت) و عندلیب کاشی و همای مروی (از هر کدام ۱۰۵ بیت) و شاط اصفهانی
(۱۱۰ بیت) و مجمر اردستانی (۱۴۵ بیت) و سمل شیرازی (۱۷۵ بیت) و وصال شیرازی
(۲۳۵ بیت) و شهاب ترشیری (۵۸۰ بیت) و ونیری شیرازی (۲۷۰۰ بیت).

سبک انشای مؤلف

سبک انشای مؤلف عالماً متنوع است و در بسیاری از موارد بشر مسجع بکار برده
است مخصوصاً قسمت اول را که مقدمه و ذکر پادشاه و شاهزادگان و امرار شامل است
مؤلف بشر بسیار مصروع نگاشته است. در این قسمت مؤلف القاب توصیفی بهر اوانی بکار
برده است مخصوصاً در ذیل پادشاه و شاهزادگان این قبیل القاب را خیلی فراوان آورده
است. همچنین در ذیل بعضی شعرای مهم این دوره نیز القاب توصیفی آورده است مثلاً:
در ذیل نام ونیری شیرازی مینویسد: «عندلیب گلستان بلاغت طوطی شکرستان
فصاحت» (در یک صفحه). همچنین رجوع شونده «ملك الشعراء عندلیب کاشی و بی بی عفت
شیرازی و میرزا ساوی همدانی و سمل شیرازی و وصال شیرازی

نسخه خطی: نسخه منحصراً در این تذکره در کتابخانه ملك تهران موجود
است (رجوع سوره ش ۴۰۹۶ کتابخانه ملك تهران) اما در این نسخه قسمت آخر دریناچه
کتاب تمام مانده است

تذکره - اسم این تذکره در هیچ فهرست کتابخانه یا تذکره ذکر نشده است
و حتی استوری هم از وجود این کتاب اطلاع نداشته است

فهرست اسامی شعرا - چون اسم این کتاب در هیچ فهرست

اسامی شعرا اینچنان نقل میگردد.

ذکر پادشاه

- ۱- فتحعلیشاه قاجار
 ذکر شاهزادگان فتحعلی شاه
 ۲- نواب محمد علی میرزا
 ۳- شاهزاده حسین علی میرزا
 ۴- نواب محمدقلی میرزا حسروی
 ۵- نواب محمدتقی میرزا شوکت
 ۶- نواب علیشاه ظل السلطان
 ۷- شیخ علی میرزا شایور
 ۸- عبدالله میرزا
 ۹- نواب امام ویردی میرزا
 ۱۰- نواب محمود میرزا
 ۱۱- نواب محمد رضامیرزا افسر
 ۱۲- نواب حیدرقلی میرزا حاور
 ۱۳- نواب همایون میرزا حشمت
 ذکر امرای رمان فتحعلی شاه قاجار
 ۱۴- ابراهیم خان طغرل
 ۱۵- سلیمان خان عرت
 ۱۶- محمد قاسم خان شوکت
 ۱۷- الله یار خان
 ذکر شعرای رمان فتحعلی شاه

- ۱۸- نیری شیرازی
 ۱۹- میرزا رضی تبریزی
 ۲۰- میرزا سحاب اصفهانی
 ۲۱- میرزا صبوری کاشی
 ۲۲- ملک الشعرا صای کاشی
 ۲۳- میرزا معتون شیرازی
 ۲۴- مولانا نشاط اصفهانی
 ۲۵- حاوردی تبریزی
 ۲۶- حسین علی بیگ شرد اصفهانی
 ۲۷- سلیمان صیاحی کاشی
 ۲۸- میرزا مائل طهرانی
 ۲۹- میرزا سیدحسین محمداصفهانی
 ۳۰- میرزا صادق همای مروی
 ۳۱- میرزا داود بینوای مشهدی
 ۳۲- میرزا ابوالحسن شیدای پردی
 ۳۳- آقا محمد علی شیدای اصفهانی
 ۳۴- آقا محمد صغای اصفهانی
 ۳۵- میرزا سعیدفدای اردستانی
 ۳۶- منت علی بیگ بوای شیرازی
 ۳۷- میرزا محمدعلی وفای اصفهانی
 ۳۸- میرزا محمد حسین وفای فراهانی
 ۳۹- میرزا ابوالحسن یغمای جندقی

- ۴۰- میرزا عبدالله خان شهاب ترشیزی ۴۱- میرزا محمد تقی صاحب‌عازف ندرانی
 ۴۲- میرزا محمد رفیع خان طرب شیرازی ۴۳- ملک‌الشعرای محمد حسین خان عبداللیم کاشی
 ۴۴- میرزا عبدالعلی کوکب یردی ۴۵- آقا میرزا محمد صادق کوکب شیرازی
 ۴۶- میرزا مرتضی محبوب ترشیری ۴۷- میرزا حیدر علی محبوب شیرازی
 ۴۸- میرزا محمد قلی الفت کاشی ۴۹- محمود خان الفت شیرازی
 ۵۰- آقا میرزا محمد حسین عشرت شیرازی ۵۱- ملا محمد تقی حسرت همدانی
 ۵۲- میرزا علی خان بیگ حسرت اصفهانی ۵۳- ملا باقر صحبت لاری
 ۵۴- آقا محمد طلعت اصفهانی ۵۵- بی بی عمت شیرازی
 ۵۶- بی بی عشرت ۵۷- بی بی عشرت شیرازی
 ۵۸- محمد امین بیگ فطرت اصفهانی ۵۹- چراغ علیخان آصفهانی فطرت
 مارندرامی
 ۶۰- میرزا سید نعمت‌الله فکرت مارندرامی ۶۱- عباس قلی خان نصرت‌الشهبی بهرگنی
 ۶۲- میرزا سلطان بیگ نصرت گیلانی ۶۳- میرزا محمد حسین نصرت شیرازی
 ۶۴- میرزا رضا قلی بیگ هدایت دامغانی ۶۵- محمد حسن خان فروغ خان زند
 ملقب به خانلر خان
 ۶۶- میرزا عتقر علی خان آزاد کشمیری ۶۷- میرزا محمد خان امید اصفهانی
 ۶۸- میرزا ابوالحسن امید باوندی ۶۹- میرزا جواد اصفهانی
 ۷۰- حاجی عابد اصفهانی ۷۱- آقا محمد شیرازی
 ۷۲- میرزا احمد بیگ اخترگرخی ۷۳- میرزا علی اکبر اصفهانی
 ۷۴- ابراهیم خان انور شیرازی ۷۵- میرزا شیخ محمد علی بهادر
 دازا حسردی
 ۷۶- آقا حسین بیمار شیرازی ۷۷- محمود خان خاور آذربایجانی
 ۷۸- مولانا حاجی شیخ محمد ساغر حرزعی ۷۹- محمد سی خان سعید شیرازی
 ۸۰- حسین علی بیگ شرز اصفهانی ۸۱- میرزا علی تقی حیدر شیرازی

- ۸۲- میرزا احمد صبور کاشی
 ۸۴- آقا لطفی فکار شیرازی
 ۸۶- میرزا رضا منصور اصفهانی
 ۸۳- حسنعلی خان طایر شیرازی
 ۸۵- میرزا محمد حسین محمر اردستانی
 ۸۷- آقا میرزا محمد ابراهیم
 منظور شیرازی
 ۸۸- میرزا امان الله بیگ کاتب اصفهانی
 ۹۰- میرزا سیدعلی نیاز شیرازی
 ۹۲- میرزا یوسف انیس نهاوندی
 ۹۴- میرزا محمد مونس اصفهانی
 ۹۶- میرزا محمدعلی دانش اصفهانی
 ۹۸- علاءرویش قائمی
 ۱۰۰- آقا میرزا یانا عارض اصفهانی
 ۱۰۲- شیخ محمد قانع شیرازی
 ۱۰۴- میرزا ابوالحسن حریری حدیفی
 ۱۰۶- شیخ عابد عارف کازرونی
 ۱۰۸- میرزا انور العین واقف هندی
 شاه جهان آبادی
 ۱۱۰- آقا علی عسکر شایق اصفهانی
 ۱۱۲- میرزا صادق ناطق اصفهانی
 ۱۱۴- آقا محمد صالح واقف اصفهانی
 ۱۱۶- میرزا محمد امین خان بیدل پشاور
 ۱۱۸- میرزا محمدعلی
 ۱۲۰- شیخ محمد رحیم
 ۱۲۲- میرزا ابوالقاسم اری
 ۱۲۴- میرزا هاشم حرم اصفهانی
 ۱۰۹- هادی بیگ شایق هندی
 ۱۱۱- میرزا مراد بیگ مشفق شیرازی
 ۱۱۳- میرزا محمدعلی واقف یردی
 ۱۱۵- میرزا محمد رحیم بیدل شیرازی
 ۱۱۷- آقا میرزا حای سائل شیرازی
 ۱۱۹- آقا محمد قائل شیراز
 ۱۲۱- میرزا ابوالقاسم ادرنا یحایی
 ۱۲۳- میرزا یحیی علی حرم شیرازی
 ۱۲۵- حرم حراسایی

- ۱۲۶- میرزا علی قایم مقام فراهانی
 ۱۲۸- میرزا منعم شیرازی
 ۱۳۰- میرزا مرتضی بیگ پریشان
 ۱۳۲- ملاحسن نهاوندی
 ۱۳۴- میر محمد حسین هندی
 لکناهوری (لکهنوی)
 ۱۳۶- میرزا عبدالرسول حیران رشتی
 ۱۳۸- میرزا محمدعلی گلشن رنگه
 ۱۴۰- میرزا محمد حسین مخنون شیرازی
 ۱۴۲- میرزا رفیع مفتون قمی
 ۱۴۴- آقا چماقلوی مازندرانی
 ۱۴۶- میرزا کلب حسین بیگ
 آشفته ایروانی
 ۱۴۸- محمد مهدی خان شهنشاه مازندرانی
 ۱۵۰- میرزا احمد کشته نظری
 ۱۵۲- آقا میرزا محمد کاظم و اله اصفهانی
 ۱۵۴- آقا میرزا رحمة علی تسلی شیرازی
 ۱۵۶- میرزا حسین حسینی یزدی
 ۱۵۸- آقا بزرگ میرزا دو قلی شیرازی
 ۱۶۰- میرزا محمد علی رفیعی
 ۱۶۲- میرزا رضاقلی رفیعی مازندرانی
 ۱۶۴- آقا میرزا محمد صدیقی کوهساری
 ۱۶۶- میرزا صدر علی بیگ وردی
 رند شیرازی
- ۱۲۷- آقا میرزا حسن علی محروم شیرازی
 ۱۲۹- ملا محمد نادم شیرازی
 ۱۳۱- برهانقلیخان لکناهوری (لکهنوی)
 ۱۳۳- ملاحسین مازندرانی
 ۱۳۵- میرزا محمدعلی حیران یزدی
 ۱۳۷- میرزا احمد روشن شیرازی
 ۱۳۹- میرزا محمد فاخر مکین نظری
 ۱۴۱- عبدالرراق بیگ مفتون تبریزی
 ۱۴۳- شیخ عبدالمعالم همایون اصفهانی
 ۱۴۵- میرزا آقا علی اشرف آگه شیرازی
 ۱۴۷- میرزا عبدالعسی ذره تهرشی
 ۱۴۹- میرزا عبدالوهاب قطره اصفهانی
 ۱۵۱- نصرالله خان قراگوزلو
 ۱۵۳- میرزا عبدالعاقی باقی اصفهانی
 ۱۵۵- میرزا محمد حسین خانی شیرازی
 ۱۵۷- میرزا فضل الله حور شیرازی
 ۱۵۹- میرزا وصل خان راوی همدانی
 ۱۶۱- آقا میرزا محمد ابراهیم کاتبی
 ۱۶۳- میرزا صنی کاشانی
 ۱۶۵- میرزا محمدعلی صدیقی یزدی
 ۱۶۷- میرزا محمد حسین عالی شیرازی

- ۱۶۸- آقاعلی شیرازی
 ۱۶۹- حاجی حسین حامی شیرازی
 ۱۷۰- آقامیرزا محمدحضر فدوی
 ۱۷۱- میرزا محمد فکاری اردکانی
 ۱۷۲- آقامیرزا عبدالرحیم قضائی یزدی
 ۱۷۳- مهدی بیگ تفتاقی آذربایجان
 ۱۷۴- میرزا محمد حسین یاری الشیر
 ۱۷۵- میرزا محمدباقر بیگ
 گرجی اصفهانی
 ۱۷۶- میرزا علینقی خان نقی لاهوری
 ۱۷۷- میرزا عباس نشاطی مازندرانی
 ۱۷۸- نورعلیشاه اصفهانی
 ۱۷۹- میرزا مهدی شیرازی
 ۱۸۰- حاجی علی کبیر بسمل شیرازی
 ۱۸۱- میرزا محمدشفیع وصال شیرازی

معراج الخیال

ابتدا

«عبرین رلف ز عا(ی) شاهد سخن را شاه ربی فرمودن بنام پاک بطق آموری
 میزبید تعالی سآ به که طبع رنگین خیالان صائب افکار گل در گریبان اربهار مکرمتش
 و اندیشه نازک تلاشان عالی دستگاہ گهر بدامان اریسان مرحمتش»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب وزیر علی متخلص به عسرتی است وی در عظیم آباد پتنه
 متولد شد و شاگرد راجا پیاری لال الصی (متوفی ۱۲۵۴ هـ) بود و بعد از تمام تحصیلات
 در خدمت رئیس الامرا و روش الملک مبارک الدوله بواب محمد مهدی قلی خان بهادر
 شوکت جنگ در آمد و اقلیق محمد حسن خان بهادر قهور شوکت جنگ مرور
 هم بود. چون فخر الامرا مبارک الملک صیاء الدوله بواب سید محمد حسن خان بهادر

تهور جنگ که در کلکته بود به عظیم آباد رفت عبرتی بسمت منشی او منصوب شد و باتفاق او به بنارس هم رفت .

عبرتی بعد از تألیف «اعجاز المحبت» (۱۲۴۷هـ) بکلکته رفت و چند ماه در آنجا سیاحت و گردش پرداخت و سپس بدهاکا (در پاکستان شرقی امروز) نیز رفت .
عبرتی در تذکره خود شرح حال بعضی شعرا و امرای آن شهر را آورده است . در همان سال ۱۲۴۷ هـ دوباره به بنگال رفت اما قبل از ۱۲۵۰ هـ به عظیم آباد (پتنه) مراجعت نمود چنانکه در رقعهای (نامه‌ای) در مصاحح الاخلاق (تألیف ۱۲۵۰هـ) مینویسد: دهنگام - باز گشت از حهانگیر نگر (دها که) حال در گذشتن پدر پیر آن جوان سال (دا) شنیدم، همچنان رقعهای (نامه‌ای) که در «ریاض الافکار» عبرتی موجود است و نواب تهور جنگ (متوفی در ۱۲۵۰هـ) به مؤلف نوشته است چنان میرساند که مؤلف در آن وقت ترك ملازمت نواب کرده بود و نواب بر این واقعه اظهار تأسف می‌کند اما اجازه میدهد که عبرتی در وطن خود (عظیم آباد) زندگی کند .

عبرتی در عظیم آباد (پتنه) در خدمت راجا پهبوب سنگه در آمد و به معلمی مهیت سنگه پسر راجای مرور مأمور شد . راجا پهبوب سنگه شعر هم میسرود و ولا تخلص میکرد . قبل از ۱۲۶۶ هـ عبرتی بر نظارت مأمور بود اما در نتیجه خیانت رای شکر لعل (صدر اعظم پتنه) عبرتی محصور شد و بر اترك گوید چنانکه شرح آنرا در «جام جهان نما» تألیف ۱۲۶۶ هـ آورده است . عبرتی بعد از ترك خدمت فوق در خدمت نواب سید ولایت علیخان در آمد و در همان ایام «جام جهان نما» را تألیف کرد .

آخرین کتاب عبرتی «ریاض الافکار» است که وی بسال ۱۲۶۸ هـ تألیف نموده است بعد از آن تاریخ احوال وی بدست نرسید .

عبرتی شیعه اثنا عشری بود و بر دینهای فارسی و عربی تسلط کافی داشت و عالمی متوجه نه تنها شش بده و کمند نگفتن شعر میسر داشت

آثار مولف

آثار فارسی عبرتی بقرار زیر است :

- ۱ - اعجاز المحبت - اولین تألیف عبرتی است که وی بسال ۱۲۶۷ هـ نوشته است . این کتاب در اصل خلاصه مثنوی «تلمن» فیضی است بشر فارسی . برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو - کرن ش ۲۵۹ .
- ۲ - مصباح الاخلاق - مجموع ۷۶ رقه (نامه) عبرتی است که وی بسال ۱۲۵۰ هـ ترقیب داده و بزبان بسیار مصنوع و معلق نوشته است برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو کرن ش ۵۰۷
- ۳ - معراج العشاق - مشتمل است بر داستان لیلی و مجنون که مؤلف مثنوی «لیلی و مجنون» هاتقی را بسال ۱۲۵۱ هـ بنشر در آورده است - برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو - کرن ش ۲۴۶ .
- ۴ - سراج المحبت - مشتملست بر داستان «هیرو رانجها» که مؤلف مثنوی «هیرو رانجها» تألیف میوقمر الدین را در ۱۲۵۴ هـ بصورت نشر در آورده است . برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو - کرن ش ۳۱۴ .
- ۵ - معراج الحیال - تذکره مورد بحث .
- ۶ - جام جهان نما - تاریخ هندوستان است از زمان ورود انگلیسها به هندوستان تا زمان تسلط آنها بر آن کشور . سححه ای از این کتاب در مدرسه سلیمانیه شهر پته موجود است .
- ۷ - ریاض الافکار - تذکره نثر نگاران است که بسیاری از آنها شاعر هم بودند مخصوصاً از قرن ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ میلادی و اکثرشان هندی الاصل بوده یا ایرانی الاصل که در هندوستان سکونت داشته اند . این تذکره در سال ۱۲۶۸ هـ با تمام رسید و مشتمل است بر ۲۸ «خیایان» (هر خیایان بر ای یک حرف) برای نسخ آن رجوع شود به بوهار ۹۳ (۱۲۸۲ هـ) و با سکی پوز ذیل ح ۱ ثر ۱۷۸۴ (مورح ۱۲۷۲ فصلی) که فهرست اسامی این تذکره هم در آنجا آمده است .

دکتر اختر اورینوی رئیس قسمت اردو دانشگاه پتنه در کتاب خود بزبان اردو «بهارمین اودوربان و ادب کار تقا ۱۸۵۷، تک» (تطور و تحول زبان و ادبیات اردو در بهار تا سال ۱۸۵۷ م) چاپ پتنه مارس ۱۹۵۷ میلادی در صفحات ۳۲۷ و ۳۲۸ اسم تذکره ای بنام «روز روشن» تألیف ۱۲۶۰ هـ از تالیفات وزیر علی عبرتی عظیم آبادی ذکر نموده است اما ظاهراً این همان «معراج الخیالی» عبرتی است که در کتر مزبور هم در ص ۳۴ اسم آن را آورده است. سپس در ص ۳۴۳ دکتر اورینوی تنها «تذکره عبرتی» نوشته است و معلوم نیست منظور او کدام تذکره عبرتی است

همچنین شاد عظیم آبادی در «حیات فریاد»^۱ مینویسد که عبرتی یوسفوزلیختا و اسکندر فامه را هم بنثر در آورده و «مکاتیب مهیت سنگه» شاگرد خود را نیز گرد آورده بود. اما نسخه ای از این کتابها در هیچ جا پیدا نیست.

تصره در کتاب

مؤلف این کتاب در سال ۱۲۵۷ هـ تألیف کرده است چنانکه بیت آخر قطعه زیر که در محتامه کتاب آورده است میرساند:

چو فکر سال تریش نمودم چکیدار حمامم «نظم روانی»

(= ۱۲۶۷ هـ)

در باره سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب شرح مصنوع نوشته است که وی چون بشعر حلی علاقه داشت اکثر اوقات خود را بمطالعه دیوانهای اساتید سخن از هند و ایران میگذراند و از دیوانهای شعرا غزلی که مورد پسند خاطر مؤلف قرار میگرفت آنرا با شرح حال شاعران تذکره های مختلف یادداشت میکرد و چون مؤلف مناسب دید که آن مجموعه در لگش تلب شود و بر این از روی آن یادداشتها این تذکره را

۱ - برای شرح حال فریاد ر تک معراج الحیار

۲ - اما بعضی مصائب را تا ۱۲۶۲ هـ بعداً اضافه کرده است چنانکه در دلیل فرقتی و مولوی ابورعلی یاس سال فوت آنها (۱۲۶۲ هـ) را ذکر نموده است.

مؤلف در مقدمه اسم کتابهای زیر را آورده است که در تألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است :

- ۱ - نثر عشق ۲ - سرو آزاد ۳ - ید بیضا ۴ - طبقات الشعرا
۵ - آتشکده آذر ۶ - ریاض الشعرا .

امداد شرح حال شعرا اسم کتابهای زیر را نیز آورده است

- ۱ - مرآت الخبال (رجوع شود به فانی)
۲ - تذکره صحایف شرایف - تألیف میر محمد عسکری (رجوع شود به رسا) .
۳ - تذکره دولتشاه (رجوع شود به سلمان) ۴ - تاریخ فرشته (رجوع شود به صادق)
۵ - تحفة السامی تألیف اسمعیل حسینی (رجوع شود به شرح حال مانی و مومن)
این تذکره مشتملست بر ذکر دو بیست و پنج شاعر متقدم و متوسط و متأخر مخصوصاً از قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی بترتیب الفبا از روی حروف اول اسم یا تخلص شاعر و با «ابدال» شروع شده با «یوسف شاملو» تمام میشود. این کتاب مشتملست بر بیست و هشت انجمن و هر انجمن برای یک حرف مخصوص است بقرارد زیر :
- انجمن اول مشتمل بر افکار بیست و هفت تن^۱ از جادو و نفسان است که جان سخن پروانه شمع ایشان .
- انجمن دوم مشتمل بر افکار سه تن^۲ از برجسته خیالان است که طبع درخشانشان غیرت عمان .
- انجمن سوم مشتمل بر افکار چهار تن از بلاغت گستران یکه پیوید است که طبع مضمونشان معانی را حلی بند .

۱ - مؤلف در حاتم و دوسد (دو بیست) شیرین رقمها ، نوشته است بقول پروفیسور محفوظ الحق عده شعراى این کتاب دو بیست و سه (۲۰۳) است امداد رسوخدا دانشگاه لاهور ذکر ۲۰۵ شاعر آمده است

۲ - در حدود کتاب ترتیب ذکر بیست و شش و یارده تن آمده است (رجوع شود به نسخه دانشگاه لاهور)

انجمن چهارم مشتمل بر افکار دوتن از معنی و مان کهنه خیال است که خواه
از گل‌دیری طبع‌شان نهال .

انجمن پنجم مشتمل بر افکار دوتن از معانی پرور است که تزهتشان فشریست
خون‌چکان .

انجمن ششم مشتمل بر افکار ده تن از صائب تلاش است که بنویت کلامشان
شیدن در آب درهان .

انجمن هفتم مشتمل بر افکار چهارتن از شیرین تلاش است که شور کلامشان بر زخم
حگر نمک پاشان .

انجمن هشتم مشتمل بر افکار دوتن از اعجاز دستگاههاست که طرز بیان‌شان بدل
سامعین الماس فشان .

انجمن نهم مشتمل بر افکار دوتن از عرش خیال جادو تلاش است که بر سگینی
کلامشان شیدن را صد گلستان بدامان .

انجمن دهم مشتمل بر افکار سه تن اردل کبا باست که حقیق خیال‌شان نشه بخش
دماغ معنی یا بان .

انجمن یازدهم مشتمل بر افکار دو تن از همه درد مو شکافانست که هر بیت
خیرشان هوش ربای سینه صاقان .

انجمن دوازدهم مشتمل بر افکار چهارتن از شیرین تلاش است که شور کلامشان
بر زخم حگر نمک پاشان

انجمن سیزدهم مشتمل بر افکار هفت تن از همه سوز عالی دستگاههاست که هر
مصرعه پیچیده‌شان مانا بر لب نگاهان .

انجمن چهاردهم مشتمل بر افکار هشت تن از سرایا اعجاز ادبند است که هر شعر
شور آموزشان برقی حرم شکیب را اکت پسندان

انجمن پانزدهم مشتمل بر افکار يك تن از جادو نگار معنی پرستانست که بیت دیوانشان آئینه دار بهار صد گلستان

انجمن شانزدهم مشتمل بر افکار سه تن از خونین رقمانست که ترتیب غزلشان وحشت افزا تر از چشم آهوان .

انجمن هفدهم مشتمل بر افکار يك تن از اعاجاز بیانان معنی یا بست که جادو کاری طبعشان نسخه سامری را جواب .

انجمن هیجدهم مشتمل بر افکار چهارده تن از معنی پژوهان سحر رقمانست که رنگ آمیزی طبعشان مرسله پیوند گلوی قلم .

انجمن نوزدهم مشتمل بر افکار سه تن از رنگین سخنانست که رتبه خامه شان غیرت چشمه حیوان .

انجمن بیستم مشتمل بر افکار میزده تن از قدسی خیالانست که طرز تحریرشان غم از دل زدای آشفته خیالار.

انجمن بیست و یکم مشتمل بر افکار پنح تن از نثر افکارانست که خونین رقمی شان هم رنگ بهاران.

« بیست و دوم » « پنج تن از بلاغت گسترانست که خوش طبعشان گهر دیر تر از عمان

« بیست و سوم » « دو تن از سخن سرا یانست که صریر خامه شان سر مشق رنگین بویان .

« بیست و چهارم » « هژده (هیجده) ^۱ تن از معنی پرورانست که هر شعرشان نمکپاش دل شوریده سران

« بیست و پنجم » « چهارتن ^۲ از رنگین کلامانست که هر حرفشان شنیدن را گل مدامان.

۲۵۱- در خود کتاب ترتیب ذکر بیست و یک و شانزده تن آمده است (درجوع شود

به نسخه دانشگاه لاهور)

« بیست و هشتم » « شش تن^۱ از سخنوران است که جنس خامهشان جان
معنی پروران.

« بیست و نهم » « سه تن از فصاحت آندیشاست که سلمای کلاهشان
هوشربای مهر کیشان.

« بیست و هشتم » « پنج تن از شعله پیا با است که هر صفحه دیسوانشان
دیده فروزتر ادرج جانان .

مؤلف در این تذکره انتحاب اشعار شعرا را تنها از غزلیات آورده است
و در دیل نام هر شاعر یک غزل (غالباً) کامل نقل کرده است.

شرح حال شعرا غالباً جامع است و اکثر اطلاعات مهم راجع برندگان
شعرا را ذکر نموده است.

در مورد شعرای زیر مؤلف میگوید که آنها در زمان وی در قید حیات

بودند

اختر و سعمل (مولوی مهدی علی) او حسرت و حسرتی و ذبیح و شعا و ضمیر و عظیم و غالب
و فرقتی و فریاد و کو کسویکنا (میرزا نوروز علی خان) .

در دیل نام ۸۷ تن شاعر سال وفاتشان را ذکر نکرده است اما در دیل نام
بقیدشان (غیر از شعرائی که در زمان او در قید حیات بودند) سال وفاتشان را
ذکر نموده است.

مؤلف اکثر مطالب را از تذکره های دیگر نقل کرده است اما اگر قدری
بیشتر رحمت میکسید میتوانست شرح حال بقیه شعرا را نیز جامع تر بیاورد مخصوصاً
در مورد اسیر و اعظم و آفرین و بواب عاقل خان زاری و شاپور و شوکت و طغری
و عنیمت و غیره

دیوانهای اکثر شعرا را خودش مدّاعه کرده است و غزلی که حیلی مورد پسند

۱- در حود کتاب ذکر هشت تن آمده است : (رجوع شود به نسخه دانشگاه

او واقع شده از آنجا انتخاب نموده است چنانکه خودش در مقدمه در این زمینه توضیح داده است.

سبک انشای مؤلف

سبک انشای مؤلف بسیار مصنوع است و در اکثر موارد نثر مسجع را بکار برده است گاهی در ذیل نام بعضی شعرا جمله‌ای مصنوع در معنی «قوت کرد» آورده است چنانکه در ذیل شرح حال شاه بخشش حسین فرقتی مینویسد . بقردوس برین شتافت .

در ذیل نام ظهوری مینویسد: ره خموش آباد عدم گرفت.

همچنین قبل از آوردن اشعار هر شاعر در جمله‌ای چند کلمه در توصیف و تعریف شاعر آورده است چنانکه :

در ذیل شرح حال فعانی مینویسد: از آن پخته گوی شیرین افکار است

« « فیضی « « از آن محو بدور گار است

« « قاسم « « از آن قدسی نژاد است

رویهمرفته این تذکره جزو تذکره های حالی است با وجود اینکه شرح

حال شعرا را مختصر (اما جامع) آورده است و از هر شاعر عربی نقل کرده است

یعنی در شرح حال و انتخاب اشعار هر دو باختصار و ایجاز توجه داشته است مخصوصاً

شرح حال شعرای معاصر که مؤلف با آنها آشنا بوده مهم تر و بارز تر است.

نسخ خطی

۱- ایوانو- کورن ش ۶۰ مورخ ۱۲۸۲ هـ

۲- دانشگاه لاهور که گاهی روی بعضی کلمات نقطه های اضافی و گاهی کم

دارد و ظاهراً این همروستی بوده است در خطاطی.

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به معراج الخیال و مقاله ای در باره عبرتی

از پروفسور محمد محفوظ الحق در مجله ندیم (اردو) پتله (بهار نسر) مورخ جولائی و اگست
(ژوئیه و اوت) ۱۹۳۳ میلادی و استوری ج ۱ ص ۹۰۰.

برای فهرست اسامی تنها ۲۳ شاعر معاصر مؤلف رجوع شود به ایوانو- گوزن ص ۶۲.

صبح وطن

ابتدا

« خدا در انتظار حمد ما بیست محمد چشم بر راه ثنا نیست

اما بعد غلام پر ارلوث محمد غوث کان الله له که عکس پذیر مجنجله

تلامذه رحمان که رفعتشان »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف محمد غوث و القاب وی امیرالهند و الاجاه عمده الامرا مختار الملك
عظیم الدوله خان بهادر شہادت جنگ و تخلص وی اعظم بوده و وی پسر نواب امیرالهند
فخر الامرا مدار الملك روشن الدوله محمد منصور خان بهادر بهادر جنگ سپهسالار و
صوبه دار (استاندار) ملك كرناتك (۱۸۴۱-۱۸۶۴) بود. نسش از حاکم پدر به سی و دو
واسطه بحضرت عمر و از حاکم مادر به بیست و شش واسطه با امام حسین میرسید مادرش
فرزند ضیاء الدوله بهادر و بیره نواب ضیاء الملك حیدر آباد دکن بود.

نواب اعظم ساعت ده روز چهارشنبه ۲۹ ذوالحجه ۱۲۳۹ هـ بدین آمد و هور
پایزدهم به پیش نگدشته بود که از سایه پدر محروم شد. روز دوم چپلم پدر بتاریخ
۲۵ اوت ۱۸۴۲ میلادی (مطابق ۱۷ رمضان ۱۲۵۸) بعنوان نواب صوبه دار كرناتك

۱- اشارت پیش من نواب اعظم بروقت فوت پدر دو سال نوشته است در كرناتك

در قصه چپوئک بر مسند ریاست نشست و عمورش نواب عظیم‌جاه بهادر نایب‌مختار برای هفده سال بکار نیابت (نایب‌السلطنه) مأمور شد و کارهای مربوطه بر ریاست کرناتک را بجای نواب‌صغیر انجام میداد.

با گفته نماند که ریاست کرناتک از نواب‌الاجاه به‌خلف‌الرشید وی نواب عمده‌الامرا بهادر و از وی سرادرزاده وی نواب رحمت‌مآب عظیم‌الدوله بهادر (۱۲۱۶-۱۲۳۴) خلف‌الرشید نواب امیرالامرا رسید و از وی به رضوان‌مآب اعظم‌جاه محمدمنورخان بهادر (۱۲۳۴-۱۲۴۱ هـ) و از وی پسر وی نواب محمدغوث‌خان مؤلف صبح و طن رسید.

نواب اعظم در پنج سالگی بمکتب (دبستان) رفت و برد حافظ محمد مکی و حافظ عبدالوالی قرائت قرآن را تمام کرد و از محتصرات فارسی تا اخلاق حسنی پیش‌غلام محی‌الدین خوشنویس (سعدی) و انشای حلیقه و رلیخا و گلشن سعادت و رساله عبدالواسع هاسوی و سکندرنامه و اخلاق‌جلالی و دیوان غنی (کشه‌پیری) و دیوان ناصرعلی سرهندی و دیوان حلال‌اسیر را خواند و از مطولات و شر «سه‌شر» و «بنج‌رقعه» و «مینا پارار» ظهوری و رسایل طعراوی مشهدی و انشای پیدل و انشای نعمت‌خان عالی و سبعه سیاره‌وقف عروص و قافیه و درعربی فدایه صیائیه المشهور به شرح‌ملائی حامی برد مولوی جمال‌الدین احمد و در عقاید و فقه و حدیث «بقدر ما یحتاج» و دیوان نخستین عربی آزاد بلگرامی را برد مولوی ارتضی‌علی خان خواند و حظ عربی و فارسی را از مولوی مرپور و عنایت حسین خان خوشنویس یاد گرفت.

نواب در شعر شاگرد ابوعالم‌خان و الابودولی با ناصرعلی سرهندی از ادب و عقیدت خاصی داشت و بتقلید وی شعر میسرود و شعر او در می‌گفت و در عرض یکی دو ساعت عربی درست میکرد و شی قصیدهای مستمل در ۴۷ بیت در منقبت امام حسین سرود. در اندک مدت دیوانی بتقلید ناصرعلی سرهندی بجواب دیوان مطهرتر تیسداد نواب اعظم با ناصرعلی سرهندی حلی از ادب داشت چنانکه در تذکره «گلزار اعظم» با اعتراضات و ایراداتی که مولوی محمد مهدی و اصن در تذکره «معین الجواهر»

بر بعضی اشعار ناصر علی گرفته بود جواب داده است.

نواب اعظم در ۱۲۶۰ هـ انجمن ادبی بنام «مجتعل مشاعر اعظم» تشکیل داد و دو نفر را بعنوان داور مقرر نمود که یکی از آنها محمد قدرت اله گوپالوی مؤلف تذکره «تایح الاکار» بود. وی در مکه چندین رباط بنا کرد و در مدراس کتابخانه عام اهل اسلام و مدرسه اعظم و لنگر خانه‌ای^۲ درست کرد. بعد از ولایت عمر بذل و خود و عطا و بخشش^۳ سن سی و دو سالگی^۴ روز ۲۴ محرم ۱۲۷۲ هـ (مطابق ۱۷ اکتبر ۱۸۵۵ م) از این دنیای فانی بسوی سرای جاودایی شتافت و در مقبره جد خود نواب عظیم الدوله بهادر رحمت مآب نواب کرناٹک (۱۲۹۶-۳۴ هـ) واقع در محوطه مسجد و الاحامی ترملکپیری^۵ دفن شد «سریب» و «مظلوم مردم» هر کدام سال وفات وی (۱۲۷۲) را امیر ساند^۶

استوری میویسد که نواب اعظم هیچوقت حاضر نبود با ازونائی هان معاشرت کند. در اول قدری انگلیسی یاد گرفته بود اما آنرا هم بعداً فراموش کرد. وی زندگی خود را در عیش و عشرت میگذراند و همیشه احتیاج پول داشت که بدر باریدن خود عطا و بخشش کند.

بی محل نخواهد بود اگر اینجا شرح محصری در دوره انچه کردنت داده شود. نواب اعظم اولاد برینه (سر) بدات و در زمان فرم بداری کل (گوز بر جسرالی) در دلیپوری (۱۲۶۵-۱۲۷۳ هـ) ضیق صلح شده و در ۱۸۰۹ م ولایتی (= ۱۲۱۶ هـ) قرار داده بود که ریاست کردنت شارتی شد و اینکه سر ایند و مقررات آن صلح نامه - رهس حستین نواب عظیم الدوله در مراعاتت کردند و بی چون نواب اعظم

۱- ريك محمودان سدق در ديل و قدرت ۲- سرکری که بعد و نرا نرا میدهد

۳- بقول استوری يك عمر عيش و عشرت ۴- شوری حسن و شالنگ

۵- استوری در شمال مسجد جامع ترپلی کب ۶- ريك تذکره محمودان سدق

و ارثی از اولاد نرینه بجا نگذاشت بنابراین دولت انگلیس تصمیم گرفت بریاست^۱ کرناٹک خاتمه داده و برای نواب عظیم جاه بهادر عموی نواب اعظم و سایر اعضای خانواده نواب مستمری مقرر گردد. همچنین برای ملکه خیرالنسایبگم که نواب مرحوم در سال ۱۲۶۴ هـ با وی ازدواج کرده بود و برای اعظمالنسایبگم ملکه دوم نواب اعظم چهار هزار روپیه مستمری مقرر نمودند و برای سایر متعلقین و ملازمین نواب نیز حسب مدارج و مقام آنها حقوقی مقرر کردند.

برای پرداخت و واریز بدهکاریهای نواب اعظم اثاثیه وی را بدست یکتفر معتمد سپردند و املاک و منازل وی را حراج کردند و خود دولت بریتانیا آنرا به پنج لکه (پانصد هزار) روپیه خریداری نمود.

نواب عظیم جاه مزبور تقاضای نامه خود را متضمن ادعای او نسبت بریاست کرناٹک پیش ملکه و یکتوریا ملکه بریتانیا تقدیم نمود و مسترد اسن را برای احقاق حق خود در پالمان بریتانیا انگلستان اعزام نمود. در پالمان بریتانیا عده ای با نواب عظیم جاه موافق بودند و گروهی مخالف وی. بالاخره همان شد که شد و تصمیم قطعی گرفته شد که بریاست کرناٹک خاتمه دهد برای تسلی و اشک شویی نواب عظیم جاه روز ۱۲ آوریل ۱۸۷۹ م (مطابق ۲۰ محرم ۱۲۸۸ هـ) کرد نیئر گورنر (استاندار) مدراس لقب پرس آف آرکات^۲ (شاهزاده آرکات) از طرف دولت انگلیس پاو اعطا کرد و ماهیانه بیست و پنج هزار روپیه مستمری برای وی مقرر نمود و وی را امیر درجه یک در هند جنوبی شناختند همچنین دولت انگلیس بوی قول داد که مادامیکه دولت بریتانیا در هند بوده نصف مستمری ماهیانه وی یعنی دوازده هزار و پانصد روپیه به جانشینان و پسران و دختران وی داده خواهد

۱- برای توضیح کلمه «بریاست» رجوع شود به ج ۲ ص ۵۲۷ کتاب حاضر

۲- Prince of Arcot

آثار مولف

آثار مؤلف بدین قرار است :

- ۱- دیوان اعظم - برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو - ذیل اول ش ۸۶۴
- ۲ - بهارستان اعظم - طاهرآ مجموعه اشعار است . رجوع شود به آصفیه ج ۱ ص ۷۱۴

۳- صحح وطن - تذکره مورد بحث.

۴- گلزار اعظم- تذکره دیگر که اعظم در ۱۲۶۹ هـ تألیف نموده است.

امادرباره آثار نواب اعظم مولوی محمد مهدی و آصف در «حديقة المرام» (ص ۷) مینویسد که نواب عظیم اصلاً هیچ تألیفی از خود داشته است و اینکه راقم (مولوی محمد حسین قادری ملقب به افضل الشعرا) کتابی در علم عروض و تذکره شعرائی نوشته و آنرا بنام نواب مر نور نسبت داده است .

تبصره بر کتاب

مؤلف طاهرآ تألیف این کتاب را در ۱۲۵۶ هـ شروع کرده و در ۱۲۵۸ هـ به اتمام رسانیده است چنانکه در پایان کتاب هشت قطعه آورده که از آن جمله هفت قطعه سال تألیف کتاب را بدین قرار میسرساند

۱- يك قطعه سال ۱۲۵۶ ۲ پنج قطعه سال ۱۲۵۷ ۳

۱۲۵۸ میرساند. بقیه يك قطعه طاهرآ تاریخ صحیحی را میسرساند

مورد سب تألیف مؤلف ورد

در این هنگام که تذکره گلشنه کرده تک زایق را در معن بطور ملاحظه کردم 'حوال بعضی سخن را چون گل که غذ می بویه فتم یعنی پس قومیت (تبعیت و ملیت) حلال و واقع تحریر پرورداحته و کر در حی از رهگذار تداط بظمطراق قلمی ساخته اهدا حقیقت حال هر يك معنی طراز را با زوده عمل آدمی است که استخرد بقید قلم در آورد .

این تذکره مشتمل است بر ذکر نود و دو شاعر^۱ متأخر استان مدراس در جنوب هندوستان بتربیبالفا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «اعظم محمد غوث» (مؤلف) شروع شده با «یادمولوی خواجہ حمید الدین» تمام میشود.

تنها مأخذی که مؤلف اسم آن را در این کتاب در مقدمه آورده است تذکره گلدسته کرناٹک است اما این تذکره اصلاً تکلمه ایست برای گلدسته کرناٹک ر (چنانکه مؤلف در مقدمه توضیح داده است) برای رفع نقص آن کتاب نوشته شد

مؤلف در دیباچه کتاب توضیح داده است که شرح احوال هر شاعرا بایازده غزل از دیوان او بدون انتخاب (یعنی کامل) آورده است اما هر گاه که دیوان کسی پیدا شد اشعار او را ارتد کرده گلدسته کرناٹک برداشته و در این کتاب نقل کرده است. همچنین اسامی بعضی شعرا که بعد از فوت رایق شروع بشعر گفتن نموده اند نیز ناچند غزل در این تذکره آورده است

مؤلف ادعا کرده است غزلهای شعرا را بصورت کامل آن نقل کرده «تاهویدا» گردد که سره چیست و ناسره کیست و در صورت انتخاب این معنی بظهور نمی پیوندد» اما در این کتاب -

در ذیل نام ۲۳ شاعر یازده غزل را از ایشان نقل کرده است

« ۱۴۴ « کمتر از یازده غزل را

« رایق دوازده غزل از وی نقل کرده است

» ۲۴ شاعر تنها یک یا دو بیت از آنها نقل کرده است .

« بتیید شعرا چند بیت از آنها نقل کرده است

شرح حال بعضی شعرا را از خودشان نقل کرده است مانند پیش و شاعر

و عاشق و در این بکلی مورد اضمین و اعتبار میباشد

از جمله بود و دو شاعر شرح حال ۲۱ شاعر را متصل آورده است مانند اعظم

و آگاه و انوار و شرح حال ۳۳ شاعر را مختصر ولی جامع آورده است مانند آنست
و امتیاز و از ۳۷ شاعر شرح حال آنها را خیلی مختصر آورده و اکثر اطلاعات مهم
زندگانی آنها را نیاورده است.

همچنین شرح حال آگاه را مفصل آورده است اما اکثر اطلاعات مهم
زندگانی وی را نقل نکرده است.

سبک اشای مؤلف در اکثر موارد ساده است اما در مقدمه و در موقع تعریف
و توصیف شعر مصنوع است و گاهی مؤلف نثر مسجع بکار برده است

گاهی جمله‌ای مصنوع در معنی « فوت شد » آورده است مانند :

در دیل نام آگاه می‌نویسد : گریبان مستعار هستی درید

در دیل نام انور می‌نویسد : جان را بجان آفرین سپرد

« تحمل » : رحمت از این چنین فانی مرست

« اقبال » : قنای هستی خود درید

همچنین برای « اینک اشعار او » جمله‌ای مصنوع آورده است چنانکه :

در دیل نام آگاه می‌نویسد : بحر مواج طبع و قارش چنان موج‌مینند

« : انور می‌نویسد : نوای افکارش چنان دایره‌بائی میکند

« : جودت ایلوری : همین فکرش بدین گونه صید دایه مینماید

« : حاجی : حسی فکرش در عرفوت سخن بدین گونه

لیک گویا است.

چاپ

این تذکره در ۱۲۵۸ هـ در مدرسه وضع رسید

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به گسترده که نام وضع و نشر و گذر از

اعظم و سخنوران بلند فکر اردو و استوری

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به ایوانو ذیل اول ص ۸-۱۰ (پانضمام گلدسته کر ناطق).

نتایج الافکار

ابتدا

شادابی گلشن سخن با بیاری حمد بهاره پیرائی است که عندلیب قوت ناطقه را نعمه سنج خوش نوائی گردا بیده و نیایش عنوان صحیفه برقم ثنائی نظم آرائی است که عرایس معانی را بتحلیه جواهر زواهر العاط برمنصه آرایش شاییده»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف محمد قدرت اله خان گوپا موی متخلص به قدرت است سسش به بیست و سه واسطه به قاسم بن محمد بن ابی بکر میرسد که از فقهای سبعمدیه بود و سلسله صوفیه نقشبندیه یا و متبیه میشود.

اسلاف مؤلف از عربستان به هندوستان آمده و در قنوج اقامت جستند و از آنجا یکی از اجداد مؤلف در اواخر سلطنت عوزیان (۵۷۱-۵۶۱۲) در گوپامنی یا گوپاماوا که یکی از شهرهای دارالسلطنت لکهنو در نواحی استان اختر (اود) بود سکونت گزید و با شرفا و اعالی محترم آنها روابط و «هم بستنی» پیدا کرد و «نظر بتقوی و صلاح و دیانت و امانت» او را سیابت صدارت (ریاست) بر گزیدند و ناین سمت مأمور و منصوب گردید

سپس حواجه بهول نواده حدقوق الذکر که بقول مؤلف «باوصاف حمیده و روش پسندیده مقبول دلها بود و با تمام شریعت و طریقت یکتا و ارحاب قطب العالم حصرت

۱- ۱۴ میل در شرق شهر اردوئی در اود سامقو استان اتر پردیش امروزه هندوستان.

شیخ سعدالدین خیر آبادی قدس سره خرّقه خلافت داشت به همین منوال امرار معاش میگرد
 بعد از وفات وی پسرش مولوی شاه عبدالرحیم که مؤلف «فتاویٰ مجمع المسائل» بوده
 جانشین پدر گردید و تا انقراض سلسله تیموری و عهد نواب شجاع الدوله (متوفی
 در ۱۱۸۹ هـ) اولاد و اعقابش یکی بعد از دیگری بهمان خدمت مأمور بودند
 اسم پدر مؤلف محمد کامل بود قدرت در سال ۱۱۹۹ هـ متولد شد و چون بسن
 تمیز رسید کتب درسی فارسی و عربی را پیش بعضی استادان مانند مولوی محمد مقیم
 و شیخ غلام حیلانی و شیخ بدر عالم خواند در فن شعر ازل شاگرد «خوشدل» بود و چندی
 بعد بدست سید شاه غلام بصیر الدین سعدی بیعت کرده و در سلسله قادریه در آمد.
 در اوایل سن بیست و نه سالگی در سال ۱۲۲۷ هـ جهت استعاده از صحت استادان خود
 خوشدل و خوشنود بمدراس مهاجرت کرد

مولوی محمد ارتضیٰ علیحان خوشنود، قدرت را پدر بارتواب اعظم جاهر ضوان
 مآب نواب کر ماتک (۱۲۳۴ - ۱۲۴۱ هـ) معرفی کرد و قدرت بدین ترتیب
 در مره بدمای نواب مزبور در آمد در سال ۱۳۳۹ هـ نواب مزبور قدرت را بتولیت مقبره
 نواب اعظم الدوله بهادر (۱۲۱۶ - ۱۲۳۴ هـ) پدر خود مأمور کرد و لقب «خان» بوی اعطا
 کرد نواب اعظم جاهر در سال ۱۲۴۱ هـ فوت کرد و سپس سراج الدوله محمد غوث خان
 بهادر جنگ رحمت مآب (۱۲۴۲ - ۱۲۷۲ هـ) جانشین نواب اعظم شد و پسر یاست کر ماتک
 مصوب گشت.

در سال ۱۲۶۰ هـ نواب محمد غوث خان اسحق بنام «مخفّل مشاعر اعظم»
 تأسیس نمود و دو نفر را بعنوان داور مقرر کرد که یکی از آن دو نفر قدرت بود.
 «قدرت راهدی بود شب زنده دار و عابدی بو. پر هیر کار» سال وفات او معلوم نیست
 اما وی تا موقع تألیف تذکره گلزار اعظم (۱۲۶۹ هـ) در قید حیات بود.

آثار مؤلف بدین قرار است

۱- دودیوان فارسی^۱ ۲- نتایج الافکار تذکره مورد بحث

۱- ره ک. استوری ح ا ق ا در دیل نام محمد قدرت الله گوپاموی

قبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را بسال ۱۲۵۶ هـ آغاز کرده است چنانکه در مقدمه تذکر میدهد :

«لهدا درسنه ست و خمسين و ماتين وائف بتلخيص بعضی دواوین موجوده در افتاده: ۱۴۰۰ ما در روز ۲۱ شعبان ۱۲۵۸ هـ آنرا تمام کرده است چنانکه در این مورد در خاتمه کتاب توضیح داده است همچنین در پایان کتاب هشت قطعه آورده است که سال تمام این کتاب را میرساند. از جمله قطعه های فوق سه قطعه اول سال ۱۲۵۷ را میرساند ولی پنج قطعه آخر که قطعه مؤلف هم جزو آنست سال ۱۲۵۸ هـ را میرساند.

قطعه مؤلف بقرار زیر است

فکر سال بتایح الافکار
عقل چون حرف به ندید در آن
هر یکی کرد در معنی سفت
هدیه بارگاه اعظم گفت

از همین قطعه معلوم میشود که مؤلف این کتاب را بنام نواب اعظم (نواب محمد غوث خان) عنوان کرده است.

در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه چنین توضیح داده است :

«گاه گاه بخاطر خطور میگرد در بیاضی اشعار شعرای نامدار متقدمین و متأخرین و بعضی از معاصرین بگاشته آید در این ضمن رای اکثری از اهل و احباب بر این قرار گرفت که چیزی (ار) احوال هر یکی از آنها هم قل و دل بقید قلم در آید تا از بوتذ کره (ای) یادگار باشد...»

مؤلف اسم کتابهای زیر را در دیباچه کتاب آورده است که در تألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است

- ۱- تذکره «آشکده عجم» تألیف آذرا صنفهانی
- ۲- «ریاض الشعراء» تألیف واله داغستانی
- ۳- مجمع النعائیس تألیف خان آرزو اکبر آبادی

۴- بهارستان سخن تالیف عبدالرزاق

۵- مرآت الخیال تالیف شیرخان

۶- کلمات الشعر تالیف سرخوش

۷- سینه میر عظمت اله بیحر

۸ و ۹- سرو آزاد و خرابه عامره تالیف میر آزاد بلگرامی

۱۰ و ۱۱- گل رعنا و شام غریبان تالیف شفیق اورتگه آنادی

این کتاب نامعیر الهی اسدآادی (همدانی) شروع شده با «میر یوسف بلگرامی»

تمام میشود و شامل ذکر کل پانصد و بیست و نه (۵۲۹) شاعر متقدم و متأخر و معاصر
بترتیب الفبا از روی حروف اول تحلیص یا اسم شعر میباشد. این کتاب مشتمل است
بر هشت صفحه^۱

در دیباچه مؤلف جواز و عدلک شعر گوئی را از احادیث و آیات قرآن آورده است

و همچنین درباره اول کسیکه به فارسی شعر گفته بحث کرده است و بعقیده وی

آنکس بهرام گوراسب و اول کسیکه در دوره اسلام به فارسی شعر گفت عباس مروی

(مروزی) که در سال ۱۰۳ هـ بمدح مامون خلیفه عباسی شعر سروده است

سپس مؤلف درباره تحول شعر فارسی بحث مختصری آورده و بعد از آن

راجع باقسام شعر بحث کرده است

تقدیم و تأخیر اسامی در ریر هر حرف بمراعات سالهای وفات شعرا آورده و قبل از ذکر

سال وفات هر شاعر در این زمینه ارتد کرده های مختلف تحقیقاتی بعمل آورده و در نتیجه آنرا

فوشته است همچنین اسامی اولیا و صوفیه را طبق احترام آنان مقدم و مؤخر آورده و اسامی

شاعران را در هر ردیف بتقلید «الرجال قوا موعظا علی النساء» بعد از اسامی شعرا آورده

اسم تنها اسم «میر الهی» را بعلت نسبت به «الله» قبل از اسامی صوفیه و عرفا آورده است.

مؤلف اکثر شعرای معروف هندی تراد را در این تذکره خاداده است اما بعضی

شعرای معروف ایرانی برادماند فرحی و مویچیری را ذکر نکرده است همچنین

شرح حال اکثر شعرای معروف را در چند سطر مختصر آورده ولی در شرح حال و تعریف شعرای معاصر که با مؤلف آشنا یا دوست بوده بمبالغه پرداخته و اشعارشان را نیز نسبتاً مفصل تر انتخاب و نقل کرده است .

اما اهمیت این تذکره از اینجاست که بسیاری از شعرای فارسی را ذکر نموده است که در تذکره های دیگر پیدا نیست و مخصوصاً ذکر شعرای معاصر مؤلف خیلی مفید و با ارزش است . همچنین شرح حال شعرای متقدم و متأخر را مؤلف مختصر ولی جامع آورده است و همه جا الترام نموده است که سالوفات آنها را مخصوصاً ذکر نماید .

اشعار شرح حال اکثر شعرارا مختصر آورده است و از بعضی شعرادریک دو سطر یاد کرده و از آنها یک دو بیت نقل کرده است مانند انسی ایلی و اسیری شیرازی و حسن بیگ تکلو .

همچنین در ذیل نام شعرای زیر شرح حالشان را در یک دو سطر آورده است :

اویس و یلیل و توفیق و ذهنی و سالم و محتشم خان فدا و مجرم و مستعنی .

اشعار شعرای رپر را مفصل اما شرح حالشان را مختصر آورده است . اشرفی سمرقندی و اهلی خراسانی و آفرین لاهوری و بیش کشمیری و عبدالواسع حبلی و سیادت و صهاو صافی و غنیمت پنجابی (کنجاهی) و مفید بلخی .

همچنین شرح حال افراد رپر را مفصل اما اشعارشان را مختصر نقل کرده است :

ابوعلی سینا و آذری و احس و امیر خان و حیاتی کاشانی و زایر و ریب النسایبگم و یحیی منیری بهاری و شکیمی و قطب الدین بختیار و داراشکوه قادری و ملک قمی و معرالدین و بطامی و نعمت اله ولی و واحد .

شرح حال شعرای زیر را مفصل تر از سایرین آورده است . حلال الدین مولانای روم و خوشود و بهرام یژدو و رکناکانی و والهداغستانی (هر کدام در ۳ص) و ناصرعلی سمرقندی (سمرقندی در ۳-۳ص) و قطب الدین بختیار و ناصر حنک و حوشدل (هر کدام در ۴ص) و امیر حسرو (در ۱-۴ص) و داراشکوه (در ۱-۵ص) .

همچنین اشعار شعرای زیر را مفصل تر از دیگران نقل کرده است : امیر خسرو و رانغب و عرفی (هر کدام در ۴ ص) و میر درد و ناصر علی سهرندی (سرهندی) و مظهر جانجانان و والا (هر کدام در ۱-۴ ص) و جامی و حافظ و حزین و شوکت بخاری (هر کدام در ۵ ص) و سرخوش (در ۶ ص) و شاپور تهرانی و صایب و قدرت (هر کدام در ۷ ص) و محتشم کاشی (در ۸ ص) و واقف (در ۹ ص) و خوشدل (در ۱۲ ص) .

سبک انشای مؤلف

سبک انشای مؤلف غالباً مصنوع است و مؤلف در آوردن عبارات مصنوع و پر تکلف اکثر کمال سعی و کوشش بخرج داده است و حتی در این تلاش گاهی زیان بسیار بر تصنع و غریب را بکار برده است مثلاً در پایان کتاب این عبارت را آورده است : «بیمن افضال ایرد متعال پیکرتد کره او اخر سال گذشته کسوت مسوده پوشیده بود امروز که تاریخ بیست و یکم شعبان ۱۲۵۸ ثمان و خسمین و ماتین و الف است خلعت بیضه در بر کشیده و شب دیر قلم که در ساخت رقم گرم عنابی داشت بر مشرل اختتام قیام ورزیده» .

سالها را در سراسر کتاب بر بان عربی آورده است .

قبل از اسم و تخلص شعرا یا چند لقب توصیفی آورده است که در اکثر موارد بنثر مسجع و گاهی بمناسبت تخلص یا اسم شاعر حناس دارد، مانند « عبدالیاب گلستان آگاهی نخبه السادات میرالهی» یا «مقبول بار گاه سبحانی شیخ اوحدا الدین کرمانی» یا «سرمسب جام وحدت و سرخوش باده محبت شیخ الاسلام ابوالنصر احمد جام»

همچنین برای «فوت شد» جمله‌ای مصنوع و گاهی به مناسبت تخلص شاعر حناس آورده است مانند . . . «از داراللال (به) برهنه کنده وصال فایر گردید» (شیخ ابوسعید ابوالخیر) «اواخر . . . متلای پنجه اجل گردید» (متلاً) .

گاهی بعضی اصطلاحات آورده است که برای خواننده‌های ایرانی معنی آن روشن نیست مانند «ولایت» بمعنی ایران و افغانستان و «پستر» بمعنی سپس و «یکم سال» بمعنی یکسال و «بیم» همچنین در املائی بعضی کلمات بجای «و» حرف «ب»

آورده است چنانکه :

«نبه» بجای توه (رجوع شود به معرالدین موسوی) و «نبگان» بجای نوگان (رجوع شود به شوقی) هم چنین «قومشه» بجای «قمشه» (رجوع شود به شاه نظر) و «نمی بر- آمد بجای» بر نمی آمد نوشته است .

مؤلف در این تذکره گاهی کلمات زبان اردو و حتی انگلیسی را بکار برده است مانند :

«حهاز» به معنی کشتی (رجوع شود به معرالدین) و «طیار»^۱ به معنی آماده و حاضر (رجوع شود به عیاش زرباف) «باورچینخانه» به معنی آشپزخانه (رجوع شود به عالی) «لکه» به معنی صدهزار (رجوع شود به ضمیری) «پلنگ» به معنی تخت خواب (رجوع شود به امیر خسرو) «گورنر جنرل» به معنی فرمانروای کل^۲ (انگلیسی، گورنر جنرل) .

نسخ خطی

۱ - اشیرنگر ش ۷۳۰ ۲ - ریوج ۳ ص ۱۰۲۴ الف (تنها شرح حال - مورخ قریب ۱۸۵۰ م) ۳ - اندیا آفس ۴۰۲۷^۳ (۱۸۹۵ م) .

چاپ

۱ - مدراس ۱۸۴۳ م ۲ - بمبئی ۱۳۳۶ ش یا هتمام اردشیر حاضع برای شرح حال مؤلف رجوع شود به نتایج الافکار (مقدمه و شرح حال «قدرت») گلدسته کرناٹک و صبح وطن ص ۱۴۸ - ۱۵۳ و گذرار اعظم ص ۲۸۸ - ۲۹۰ و واشارات بیش ش ۵۰ و حدیقه المرام محمد مهدی واصف مدراسی (بربان عربی) چاپ مدراس ۱۲۷۹ ص ۴۷ - ۴۸ و شمع اجمن ص ۳۹۲ و استوری ص ۹۰۰

فهرست اسامی شعرا - رجوع شود به نتایج الافکار چاپ بمبئی ۱۳۳۶ س .

۱ - برمان اردو «تیار» نادت» معنی آماده و حاضر است .

۲ - گورنر جنرل (انگلیسی) کسیکه اردمان تسلط انگلیسها تا قبل از جمهوری شدن

هندو پاکستان از طرف پادشاه انگلستان بر شته قاره هندوستان حکومت میکرد

۳ - این سجه در فهرست آمده ذکر شده است ر.ک. استوری ح ۱ ص ۱۷۱ در دیل I.O

نغمه عندلیب^۱

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب محمد رضا متخلص به نجم طباطبائی ملقب به نجم الدوله افتخار الملک حسام جنگ و اسم پدرش ابوالقاسم طباطبائی است . نجم در پتنه متولد شد و در ۱۲۲۷ هـ بعد از خدمت نه سال بعنوان فرماندار^۲ سریلی وی را پدھلی طلب کردند و آجا اورا جانشین پدر کرده القاب پدرش را باو دادند و او هشت سال نایب خاسامان خاواده شاهی و داروغه خرا به بود . وی بعد از هفت سال خدمت بعنوان دیوان راجه را گھوجی در ناگپور باز شسته شد و بقیه عمر خود را در لکھنور مشاغل ادبی گذراند .

بقیه احوال زندگی وی بدست برسید .

آثار مؤلف

آثار وی بدینتقرار است .

- ۱ - اخبارات ہند - در تاریخ عمومی ہندوستانس کہ مؤلف بطور جزو پنجم دایرة المعارف خود «بحر الذخار» بنام اچام ایلیات نوشته است برای نسخ رجوع شود بہ ریو ج ۳ ص ۹۱۴ ب (مورخ تقریباً ۱۸۴۸ م) و ص ۱۰۱۴ ب (جلد ۲. قسمتی از این کتاب سمورخ قریب بہ ۱۸۵۰ م) و ص ۱۰۱۸ ب (ح ۵ قسمتی از این کتاب سمورخ ۱۸۴۹ م) .
- ۲ - مفاتیح الریاست در تاریخ ہند است حاوی وقایعی از ۱۱۵۰ تا ۱۲۵۱ هـ

۱ - در سحہ ایلیات در سحہ اول صواں این کتاب «چهار باع» آمده است اما در متن کتاب هیچ جا «چهار باع» ذکر نشده است
 ۲ - Collector صلندار (فرماندار)

که جزو چهارم «بحر الذخار» است. برای نسخ رجوع شود به ریوح ۳ ص ۱۰۱۴ ب (قسمتی از کتاب مورخ قریب به ۱۸۵۰م) و ص ۱۰۱۸ ب (جلد ۶ از صفحه ۱۲۶ تا ۲۵۲ . قسمتی از کتاب مورخ ۱۸۴۹ م) و ۱۰۵۳ الف (اوراق مربوط به جلد ۴).

۳- نغمه عندلیب - تذکره مورد بحث - جروی از کتاب «بحر الذخار» است برای نسخ رجوع شود ریو به ح ۳ ص ۹۷۸ ب (مورخ ۱۸۵۰ م که مؤلف به اچ ام ایلیات تقدیم کرده است. رجوع شود به تاریخ ایلیات ج ۸ ص ۴۳۲) و ص ۱۰۱۴ ب (قسمتی از این کتاب) و ص ۱۰۱۸ ب (قسمتی از این کتاب).

۴- خورشید لامع یا منظر العالم - در جغرافی - جروی از کتاب «بحر الذخار» است ۵ - مجمع الملوك - تاریخ عمومی که جرو سوم «بحر الذخار» است در حدود ۱۲۶۰ هـ تألیف آن شروع شد. برای نسخ رجوع شود به نذیر احمد ۷۰ (متعلق به کتابخانه محمد علی حسین حیدر آباد - بخط مؤلف) و ریو ج ۳ ص ۱۰۱۴ ب (قسمتی از کتاب مورخ ۱۸۵۰ م) و ص ۱۰۵۳ الف (قسمتی از کتاب) و نیز رجوع شود به ص ۱۰۴۸ الف

۶- ربدة العرایب - تاریخ عمومی در پنج جلد - آغاز در ۱۲۳۱ هـ و بقول ایلیات و دوسن در بین ۱۸۱۶ و ۱۸۳۰ م تألیف شد برای نسخ رجوع شود به اندیا آفس دی پی ۲۶۲ (بلگرام ۱۳۲۲ - جلد ۵ آن در ذکر فلاسفه و عرفا و شعرا و غیره است - بخط مؤلف) ریو ج ۳ ص ۱۰۴۲ ب (قسمتی از جلد ۵ مورخ قریب به ۱۸۵۰ م) و ص ۱۰۲۶ الف (فقط مقدمه و فهرست دارد - مورخ قریب به ۱۸۵۰ م) و ص ۱۰۵۳ الف (قسمتی از ح ۴ راجع به تیموریان هند).

تبصره بر کتاب

«نغمه عندلیب» را مؤلف در ۱۲۶۱ هـ تألیف نموده است چنانکه اسم آن از روی ایجاد می‌سازد - تذکره کوچکی است در ۲۲۸ صفحه که مؤلف بنام واجد علی‌شاه پادشاه اود (۶۲۶۳-۱۲۷۲ هـ) نوشته است و مشتمل است بر دو روصه - روصه اول شامل پنج بهار است یقرا ز ریر

- ۱ - در دستور فارسی (ص ۷) .
- ۲ - در انواع شعر فارسی (ص ۱۱ الف) .
- ۳ - در صنایع شعری (ص ۱۳ الف) .
- ۴ - در قافیه و ردیف (ص ۱۵ الف)
- ۵ - شرح حال مختصر قریب به ۴۵۰ شاعر متقدم و متاخر آن بترتیب الفبا که اکثر آن مهم نیست (ص ۱۹ تا ۲۰۰ ب) اما شرح حال شعرای هندی نژاد و آن هم مخصوصاً از شعرای معاصر مؤلف تا اندازه‌ای مفید است . غالباً اشعار شعرا را نقل کرده است بدون شرح حال آنها اما قسمت شعرای هند مفصل تر است . شرح حال خود را با انتخاب اشعار خود تحت نام «نجم» در ص ۹-۱۸۴ آورده است و شرح حا نواده خود را تحت آغا (اقتدار الدوله سید محمدخان) در ص ۲۷-۳۰ آورده است
- روصه دوم شامل دو حدیقه است - حدیقه اول در موسیقی یونانی (ص ۲۰۱ الف) و حدیقه دوم در موسیقی هندی است (ص ۲۰۳ ب)
- روی هم رفته این تذکره زیاد اهمیت و ارزش ندارد و مؤلف توجه بخصوص در جمع آوری مطالب آن صرف نموده و تنها در کراسامی شعرا اکتفا نموده و دوسه بیت از آنان نقل کرده است و تنها در مورد شعرای هند که معاصر مؤلف بودند بعضی مطالب مفید و نا ارزش دارد .

نسخ خطی

- ۱ - ریو ج ۳ ص ۹۷۸ ب (مورخ تقریباً ۱۸۵۰ م که مؤلف به اچ ام ایللیات تقدیم کرده است . رجوع شود به تاریخ ایللیات ح ۸ ص ۴۳۲) ص ۱۰۱۴ ب (قسمتی از این تذکره) ص ۱۰۱۸ ب (قسمتی از این تذکره)
- برای شرح حال مؤلف رجوع شود به بعمه عبدلیب تحت نام نجم و معاتبیح - الریاست (مقدمه) و تاریخ هند تألیف ایللیات و دوسن ح ۸ ص ۲-۳ و ۴۳۶-۷ و ریو ج ۳ ص ۹۱۴
- فهرست اسامی شعرا - رجوع شود به نسخه ریو ج ۳ ص ۹۷۸ ب

حدايق الشعرا

مؤلف

اسم مؤلف این کتاب میرزا امیر بیگ متخلص به امیر بنارسی است . وی از زمان سعادت علیخان (۲۹-۱۲۱۲ هـ) تا زمان محمد امجد علی شاه (۶۳-۱۲۵۸ هـ) در خدمت سلاطین اود بود

تیسره بر کتاب

مؤلف تالیف این کتاب را در ۱۲۱۱ هـ بفرمایش طبرالدوله فتح علیخان کپتان آغار و در ۲ شعبان ۱۲۶۲ هـ تمام کرده است .

این تذکره مشتملست بر ذکر ۲۶۰۹ شاعر بترتیب العیا که اول آمان «آبرو» و آخر شان «محمدیوس جان ابهری» است . در این شعر از ۳۱ «حدیقه» (از صفحه ۸ تا صفحه ۱۶۶ ب) آورده است و هر حرف را تحت یک حدیقه نقل کرده است همچنین این تذکره مشتملست بر قسمتهای زیر

۱- ۳۰ «شجره» در القاب صحیح ملوک و شعرا (ص ۱۶۶ الی ص ۱۸۳)

۲- ۳۰ «دو حه» در اسامی رست جغرافی (ص ۱۸۳ الی ص ۲۱۳)

۳- دو «ثمره» در اسامی و تواریخ خلوس و مدت سلطنت ملوک از دوره

قبل از اسلام در ایران و دیبای اسلام (ص ۲۱۳ الی ص ۲۲۹)

۴- هفت «بخله» در نارهع ربان محلی ایران (هروی و سگری و غیره)

(ص ۲۲۹ ب الی ص ۲۳۰)

۵- ۳۰ «نتیجه» که مجموعه اشعار شعرا بترتیب ردیف میباشد .

چنانکه از فهرست محتویات این کتاب معلوم میشود کتابی است بسیار مفید و

مطالعه اطلاعاتی که در آن جمع آوری شده بسیار با ارزش و سودمند میباشد

- نسخ خطی -

- ۱- ۲۰۰۱ ایوانو کرزن ۲۰۲-۷۰. - محتملاً خط مؤلف است.
- ۲- بوهار فهرست نسخ عربی - ص ۵۲۹-۵۳۰ (تنها حدیقه‌ها و شجره‌ها دارد) .
فهرست اسامی شعرا . در هیچ کتابداری نشده است

خزینة الشعرا

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف سیدعلی کبیر المدعو (یا عرف) محمد میر نجان اصلاً حمله‌ای است
اسم پدرش سیدعلی حعفر حسین محمدی حنیدی حنفی نقشبندی است و اصل او
از شهر آله آباد است

مؤلف در ۲۸ محرم ۱۲۱۲ هـ بدینا آمده و مادر و پدر وی از اولاد عارف و فاضل
معروف بنام شاه خوب‌آله که اسم اصلی وی محمدیحیی است بودند . مؤلف چندین
کتاب در فقه و غیره تألیف کرده و یک دیوان و چندین مثنوی نیز سروده است .
« همچنین کتاب « سرالشهادتین » تألیف عبدالعزیز دهلوی را در ۱۲۵۱ هـ
در عاری پور از عربی به فارسی بنام (اطهار السعادة فی ترجمه اسرار الشهادة) ترجمه کرد
که در ۱۲۵۳ هـ با متن عربی در کلکته طبع رسیده است .
فهرست اسامی آثار دیگر مؤلف در « خزینة الشعرا » در ص ۱۸۵-۱۸۶ الف آمده است

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را بسال ۱۲۶۰ هـ آغاز نموده است چنانکه خود اسم کتاب
« خزینة الشعرا » می‌سازد و بسال ۱۲۶۵ هـ آنرا با تمام رسا بدچنانکه بقول خودش
« واقعات المادرات » از روی احمد میرساند
این تذکره مستملست برد کر ۱۹۰ شاعر که اول آن ناصرعلی سرهندی (متوفی
در ۱۱۰۸ هـ) است

تقریباً تمام شعرائی که ذکرشان در این کتاب آمده است اصلاً هندی هستند و اکثر آنان از شاگردان و دوستان و خویشاوندان شاه خوب الصاوی‌الد کرم و محمد افضل متخلص به محقراله آبادی عموی مؤلف میباشند .

نسخه خطی

اندیا افس ش ۳۸۹۹ (مورخ ۸ ۴۱۹) .

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به خزینه الشعرا ص ۱۸۰-۱۹۶

فهرست اسامی

در هیچ کتاب ذکر نشده است .

اشارات بینش

ابتداء:

حمد بدیعی که زبان معنی پروران مصرعیت در صف ابداع مایه کلام او نای ناطمی که لب سخنندان بیتی است در ستایش نظم باطمام او منحصر بگفتن

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف سید مرتضی متخلص به بیش است و وطن قدیم آبای او مشهد معدس است و در سن چند واسطه حضرت امام حسین میرسد . جد بزرگ او ار مشهد هجرت نموده روی بدکن آورد و در شهر گلبرگه رحل اقامت افکند . یکی از اجداد

۱- این نسخه در فهرست اته ذکر شده است رجوع شود به استوری ج ۱ ق ۱ ص xvii

وی شاه ابراهیم مصطفوی^۱ حسینی که حال قدوة السالکین ربهة العارفین سید محمد گیسودراز است و از او اولادش شاه نوراله حسینی است در زمان حکومت نواب سعادتاله خان وارد ملک کرناٹک شده در دار النور محمدپور (ارکات) اقامت گریه و در جنگ با فرانسویها در شهر جیت پشته شهید شد

پس فرزند وی شاه نوراله ابراهیم حسینی کو جدمؤلف بود در عهد پندر اعظم رخت اقامت به چیناپتن کشید و بعرب واحترام تمام بسر میبرد^۲. پدر مؤلف میرصادق علی رضوی الحسینی مدرسی مختلص به صادق مخصوصاً در «ماده تاریخ گوئی» ید طولائی داشت و هنگامیکه نواب عارم ریارت عتبات شد او عبارت «یا علی موسی الرضا» (= ۱۲۳۸ هـ) که «ماده تاریخ» آن واقعه بود بر نقره پاره کنده و خدمت نواب تقدیم کرد. بالآخره میرصادق در ۱۲۵۳ هـ رحلت از این جهان برست. برادر بزرگ مؤلف میر مهدی الحسینی متخلص به نائف (متولد در ۱۲۲۳ هـ) ارشعرای معروف مدراس بود و بر مثل پدر در «ماده تاریخ گوئی» مهارتی بسر داشت در بیشتر سال ۱۲۲۷ هـ در مدراس متولد شد و بهیض تربیت پندر خود در دوازده سالگی نوشتن و خواندن فارسی را یاد گرفته و پرودی بگفتن شعر پرداخت و چون سلیقه استعداد خاصه برای این فن داشت طبعاً در این میدان مهارت بسرایی بدست آورد.

مؤلف محبوب الرمن (اردو) در دیل نام پیش مینویسد. «پیش مرد علمای مدراس کتب درسی عربی و فارسی خواند و اول پیش پدر و برادر خود مشق سخن میکرد و بعد از آن ارمولوی واقف استفاده کرد. وی دکی الطبع و صحیح الفکر و خوش تقریر و در حال جوانی بی مثل و نظیر و در شعرو ساعری بی بدل و عدیل بود

۱- مسیح گلشن ص ۷۵ مصطفی و محبوب الرمن ص ۳۰۵. شاه ابراهیم مصطفی

۲- ایضاً. بقدر دایبهای نواب امیر الهند والاحاء محمد علی خان بهادر مختص گشته

مدراس را موطن و مسکن ساخت .

مدتی در حیدرآباد اقامت داشت سپس بندگان رفته عضو انجمن «مشاعر اعظم» شد و باشعرائی معاصر خود مناظره و معارضه میکرد سرانجام در ۱۲۶۵ هـ عازم مکه شد و بعد از تحمل شدايد بسیار در راه بالاخره بادای حیح و زیارت موفق و مشرف شد و بعد از یکسال بوطن مألوف (مدراست) مراجعت نمود و بعد از مدتی اقامت داشت اما سال وفات وی در هیچ تذکره ذکر نشده است.

درد گلزار اعظم^۱ آمده است که بینش در سال ۱۲۶۵ هـ از نواب اعظم مرخصی برای سه سال گرفته بقصد زیارت عتبات عالیة عازم آن مواضع مقدسه شد. چون به بصره رسید بعلت خرابی هوا اهل قافله بعارضه تسولرزه مبتلا شدند و انتظام قافله بگلی بهم خورد و در همان عالم هر آسانی بعضی بسوی بغداد شتافتند و برخی برآبجف اشرف افتادند بینش هم بمرص تسولرزه مبتلا شد اما دیری نگذشت که او هم به بصره اشرف رسید و یکم هفته در آن سرزمین اقامت داشت و چون آنجا کسی را ندید که از وی مواظبت و پرستاری کند به جانب کربلای شتافت اما روریکه وارد بقعه مبارک شد بقدر جان را نثار آن آستان غربت نشان نموده در صحن روضه مبارک بیا سوز.

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را سال ۱۲۶۵ هجری تألیف نموده است خود اسم این کتاب «اشارات بینش» از روی اسجد تاریخ تمام آن (۱۲۶۵ هـ) رامی رساند. در مورد سبب تألیف این کتاب مؤلف در دیباچه چنین توضیح داده است که در سال ۱۲۶۲ هـ مجلس مشاعر ریاست حان بهادر را قم در دار الخلافه (مدارس) تشکیل شد و در آن مجلس «واقف» و «قدرت» حکمین مناظره انتخاب شدند رئیس این کمیته نواب اعظم حاه بود. مؤلف بطریق سیاحت سری بحیدرآباد کشید امیر اعظم حاه او را در سلك

ملازمان خود قرارداد، روزی بحاضر مؤلف گذشت که شعرائیکه قبل از او بودند برای آنها تذکره‌های متعدد تألیف شده و در دست‌زما به بطور یادگار است. اما تذکره شعرائی که در زمان نواب مزبور بوده‌اند هیچکس ننوشته و بنا بر این بحمع آوری تمام، غزلیات «مشاعره» و آثار سخنوران آن عصر، از هر شهر و دیار پرداخت و بقدر استعداد خود آنها را انتخاب و ترتیب داد و احوال هر کدام از این شعرا را بایجاز و اختصار نگاشته این نسخه را به «اشارات پیش» که ماده تاریخ تمام آنسب موسوم نمود.

این تذکره مشتمل است بر مقدمه و شرح حال و آثار شعرا و خاتمه در مقدمه مؤلف درباره سبب تألیف کتاب توضیح داده و این کتاب را بنام نواب محمد غوث خان شہامت جنگ (۱۲۴۲-۱۲۷۲ هـ) حاکم کرمانک عنوان کرده است. در خاتمه کتاب دو «قطعه تاریخ» خاتمه کتاب از مبارک‌اله خان رابع و فایزویک قطعه ارجان بهادر اقم و مسور جنگ نظیر و حشمت و ذهن و د کاو ثاقب و بدرت و وفا و امیر و اعلام دستگیر لایق (از هر کدام یک قطعه) نقل کرده است که هر قطعه آن سال تألیف این کتاب (۱۲۶۵ هـ) را میرساند.

این تذکره مشتمل است بر احوال و اشعار منتخب از هفتاد و هفت تن از شعرای کرمانک است که معاصر مؤلف بودند و اکثرشان در «مجلس مشاعره» که نواب اعظم-جاه تأسیس نموده بود شرکت داشتند.

شرح حال اکثر شعرا را در نصف صفحه یا یک صفحه آورده است و اشعار آنان را در یک صفحه نقل کرده است اما در دلیل نام شعرای زیر شرح حال آنان را نسبتاً مفصل آورده است.

بصارت و ثاقب و صاحب و ذکاور اعم و صادق (هر کدام در دو صفحه) و قمر (در ۲ ص) و اعظم (۴ ص) و بینش (مؤلف در ۵ ص) و رویه‌رفته شرح حال خود را مفصل‌تر از همه آورده است.

همچنین اشعار شعرای زیررأسة مفصل نقل کرده است:

انوار و بیهوش و شایق و عشق و فایق و معاون و والو واقف و ولا (هر کدام در ۲ ص)
 و فاروق و قدرت و قهر و و اصف (هر کدام در ۲ ص) و راقم و رسا و فرصت (هر کدام
 در ۳ ص) و واعظ و رونق (هر کدام در ۳ ص) و ثاقب و رانغ و صاحب (هر کدام در ۵ ص)
 و بینش (مؤلف در ۲ ص) و ذکلو (در ۹ ص) و رویهم رفته اشعار خود در کارنامه مفصل تر
 آورده است

در ذیل نام شعرای زیر دوسه سطر در شرح حال آنان و سه چهار بیت از اشعارشان
 آورده است:

احقر و بینوا و جوهر و احمدی و بیخود و سعید و ضمیر و رفعت و ناظر و قدیر و قدرت
 و واجد و یگانه.

در ذیل اشعار شعرای زیر اشعاری که خود مؤلف در جواب آنها سروده است نیز
 آورده است:

سه بیت در ذیل اشعار بیهوش	دو بیت در ذیل اشعار ثاقب
یک « « « صاحب	یک « « « خوشنود
« « « دید	سه « « « راعی
دو « « « رایق	چهار « « « راقم
یک رباعی در ذیل شرح حال درایر	یک بیت در ذیل اشعار صاحب
یک بیت در ذیل اشعار ضمیر	« « « « « علیم
دو « « « فاروق	سه « « « فایق
دو « « « قدرت	دو « « « مجرم
یک « « « معاون	سه « « « نامی

اشعار بعضی شعرا را با اشعار دیگران مقایسه نموده است چنانکه اشعار وصال را
 با اشعار حبیبانه دکاوش خود را با شعر کلیم همدانی
 مؤلف در فن «ماده تاریخ گوئی» مهارتی سرا داشت و «ماده تاریخ» فوت شعرای

ریرا که خودش گفته است در ذیل شرح حال آنها آورده است.
 «ماده تاریخ» فوت بصارت و ماده تاریخ فوت معشوقه راغب (که کلمه «راغب» سال
 فوت آنرا میرساند).

همچنین مؤلف ماده تاریخ تألیف رساله‌ای در علم عروض که محمدعزیرالدین
 متخلص بهرید تألیف نموده بود «مجمع العروض» (= ۱۲۶۰ هـ) گفته و ماده تاریخ تدوین
 دیوان ریخته (اردو) محمد حبیب اله دکا نایطی را «چشم‌بینش روشن» (= ۱۲۶۱ هـ)

سبک مؤلف غالباً ساده و غیر مصنوع است غیر از دیباچه که آنجا گاهی بنوشتن بشر
 مصنوع پرداخته است

در ذیل نام بعضی شعرا القاب تعریفی آنان را بشر مسح آورده است:

اعظم . امیر عالی تبار خدیو معدلت آثار ..

حسن عالم‌یگانه و فاضل فررانه

حوشنود حقایق آگاه معاون دستگاه .

راغب سلاله السادات الکرام خلاصه الامرای العظام ..

صاحب عالی مناصب و الامتاق

همچنین برای «فوت‌شده» جمله‌ای مصنوع آورده است مانند

میوش . (در ۱۲۶۰ هـ) از تلاش معنی بیگانه بچستجوی بیگانه برحق شناخت.

نسخ

ایوانو کررنش ۶۱ (با اضافات و تعییرات محتمل اندست خود مؤلف)

چاپ

مدارس ۱۲۶۸ هـ (در ۲۰۳ صفحه)

برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به ایوانو کررنش ص ۶۸-۷۰ (اسم ۶۰ شاعر)

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به اشارات بنیش و صح وطن ص ۳۸-۴۲ و صح

گلشن ص ۷۵ و گلزار اعظم ص ۲۲-۱۱۹ و استوری ۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳

گلزار اعظم

ابتدا

ای حمد تو ورد دل و جان شام و پیگاه
 وی نام تو بر نوک زبان در همه گاه
 بی فضل تو سویت نتوان بردن راه
 لا حول و لا قوة الا بالله
 شگفتگی گلزار سخن به اهتراز نسیم حمد بهار آرائیست که چمنستان خیالات
 رنگین را به آبیاری مضمون دلنشین در خطه قلوب نخلیندان حدیفه نکته دانی سرسبز و
 شاداب گرداید و گلستان صنایع لطیحه و بوستان بدایع معنویه را پرنگ و بوی بلاغت
 و آب و تاب و صاحت در گلزمین افنده گلچینان گلشن دقیقه یابی کل گل شکفایده

مؤلف

اسم مؤلف نواب محمد عوض خان بهادر متخلص به اعظم اسب (برای شرح حال
 او رجوع شود به «صبح و وطن» در این کتاب).

تصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را بسال ۱۲۶۷ هـ آغاز و در ۱۲۶۹ هـ با تمام رسانیده است
 اسم این تذکره تاریخی است یعنی اردوی اجداد سال تألیف کتاب را میرساند. همچنین
 مؤلف در مقدمه کتاب قطعه دلیلی آورده است که سال تألیف این کتاب (۱۲۶۹ هـ)
 را می رساند.

که افزاید از سیر آن عقل و هوش
 بدا کرد «گلزار اعظم» سرش
 (= ۱۲۶۹ هـ)

چوتیار شد گش بی حرا
 شدم در پی نام و تاریخ او

۱- مؤلف در مقدمه کتاب مینویسد در عرصه (مدت) دو سال شاهد مدعا را محله انصرام
 آراستم و چون سال اتمام کتاب ۱۲۶۹ است پس برای این مؤلف تألیف این کتاب را در ۱۲۶۷
 آغاز نموده است

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح داده است که وی در ۱۲۵۷ هـ بتحریر تذکره شعرائی الکلی کرناٹک (یعنی تذکره «صبح و وطن») پرداخته و در آن غزلیات هنریک از آنها را بدون انتخاب یعنی کامل آورده بود^۱. سپس مؤلف خواست تذکره نثرهای بنویسد و طی آن انتخاب اراشعار شعرای و شرح جان آنها را با بیان سال و محل تولد و آثارشان و غیره بکمال دقت و تحقیق ترتیب دهد تا اینکه تذکره «مخمس الجواهر» تألیف و اصف به ملاحظه رسید و بوضوح پیوست که مؤلف آن تذکره بر اشعار بعضی اسبابی سخن اعتراضات بیجا و بی محل آورده و بنا بر این در جواب آن تذکره مؤلف بترتیب این تذکره (گلزار اعظم) پرداخت.

مؤلف اسم ماخذ این کتاب را در مقدمه یا خاتمه کتاب ذکر نکرده است اما در دلیل شرح حال شعرا اسم کتابهای دلیل را آورده است که در تألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است:

- ۱- کلمات الشعرا (رجوع شونده ترجمه حال اعظم).
- ۲- تذکره جان آرزو (رجوع شود بشرح حال اعظم).
- ۳- سرو آراد (رجوع شونده ترجمه حال اعظم).
- ۴- نتایج الافکار (رجوع شود بشرح حال حوشدل).
- ۵- مرآت الحیال (رجوع شونده شرح حال و اصف).
- ۶- گلشنه کرناٹک که گاهی تنها اسم آن را «گلشنه» نوشته است) رجوع شود به شرح حال محرت و عاصی).

۷- منتخب اللغات میر عبدالرشید تنوی (رجوع شونده در حالص).

این تذکره مشتمل است بر چهار صد و سی و سه (۴۳۳) شاعر کرناٹک بترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «آگاه مولانا محمد یاقرب» شروع شده با «یادمولوی حواحه حمیدالدین» تمام میشود تقریباً تمام این شعرا معاصر بواب اعظم مؤلف بودند

شرح حال شعری زیر را مفصل آورده است: ابجدی و بهار توجهن و رایق و مختار
 سیف الملک و مجرم و معاون و نامی مولوی تراب علی و ناظر و وفا و واقف (هر کدام در
 ۱/۴ ص) و نورالدین انور و اکرم و بینش و ذوقی و رفیع و شایق و قریب و قدرت و معجز
 (هر کدام در ۲ ص) و خوشدل و راقم و مهربان (هر کدام در ۱/۴ ص) و خوشنود و محفوظ
 (هر کدام در ۳ ص) و مولانا محمد باقر آگاه نایبی و اعظم (مؤلف) و ماجد (هر کدام
 در ۴ ص) و والا (در ۵ ص) . رویهمرفته شرح حال و الا را از همه مفصل تر آورده است.

اشعار شعری زیر را مفصل آورده است: خاجی و دستگیر (هر کدام در ۱/۴ ص)
 و اکرم و بهجت و بلیغ و خوشنود و خالص و رایق و شایق و صاحب و فاروق و معجز و معاون
 و مخلص و نامی غلام الدین و واله سید محمد موسوی (هر کدام در ۲ ص) و ذوقی (در ۱/۴ ص)
 و ثاقب و راعی و قدرت (هر کدام در ۳ ص) و آگاه مولانا محمد باقر نایبی و انور و احسن
 و فایق و مهربان (هر کدام در ۱/۴ ص) و ماجد (در ۴ ص) و روتق و واقف (در ۱/۴ ص)
 و بیش و والا سید ابوسعید (هر کدام در ۵ ص) و راقم در ۱/۴ ص) و اعظم (مؤلف)
 (در ۱۲/۴ ص)

رویهمرفته مؤلف اشعار خودش را مفصل تر از سایرین آورده است.

اشعار خود را در ذیل اشعار شعری زیر نیز نقل کرده است: محمد باقر آگاه
 و خوشدل و راعی و فایق و قدرت و مهربان و ماجد و والا

در ذیل اشعار روتق اشعاری را از سید محمد خلوص و اعزالدین خان نامی و شایق
 علیخان شایق و همچنین دو رباعی را از حکیم عبدالناصر عشق در ذیل اشعار فاروق
 نقل کرده است

در ذیل شرح حال خود جواب اعتراضاتی را که واصف بر ۴۳ بیت ناصر علی
 در تذکره خود آورده بود (در ۲۶ ص) داده است و در دو صفحه از ناصر علی تعریف
 کرده است

در ذیل نام واحد اعتراضی را بر اشعار دیگران (در ۱/۴ ص) نقل کرده است
 همچنین در ذیل نام واصف اشتباهات تذکره مرآت الخیال را در دو صفحه

(ص ۴۰۱-۴۰۰) و اشتباهات و اصفرا که بقول مؤلف وی در تذکره «معدن الجواهر» مرتکب شده است در ۳ صفحه + ۱۶ صفحه (ص ۴۰۲-۴۰۱ و ص ۲۵-۴۰۹) و رساله مولانا آگار که مشتمل است بر جواب اعتراضی بر بیستی تحت عنوان «فایده» در پنج صفحه (ص ۹-۴۰۵) آورده است.

در ذیل اشعار شعرای زیر اعتراضات و اصف و شعرای دیگر را که آنها بر اشعار این شعرا وارد آورده اند ذکر نموده و غالباً خودش جواب آنها را یاد کرده است: مولانا محمد باقر آگاه (در ۴ ص) و پیش (در ۶ ص) و بهجت و بلخ و ثاقب (در ۷ ص) و خوشنود و خالص و شاعر (در ۴ ص) و فاروق و فرحت (در ۷ ص) و قدرت و قدیر و مخلص و والا و ولا و واقف و واصف^۱ (در ۴ ص)

در ذیل شرح حال شعرای ذیل اسم آثارشان را مفصل ذکر کرده است: ابجدی و خوشنود و واحد و واصف.

در ذیل نام راقم (ص ۲۲۲) تحت عنوان «فایده» شرحی درباره قافیه شایگان (ایطای حلی و خفی) آورده است.

در ذیل شرح حال ابجدی حکایات حالی در باره احنه نقل کرده است

مؤلف در ذیل اشعار شعرای زیر بر بعضی اشعارشان ایراد گرفته است. احسن و رایق و فرحت و معاون و واقف و واصف.

در این تذکره مؤلف غالباً اشعار را از غزلیات انتخاب کرده و گاهی غزلیات کامل را نقل کرده است مثلاً رجوع شود به نام اسد در این کتاب.

از مطالعه این تذکره چنان بر می آید که هنوز در بعضی نواحی هند فارسی خیلی رواج داشته و بسیاری از شاعران و ادیبان این قسمت هندوستان به فارسی شعر میسروده اند و کتابهایی مینوشته اند و حتی عده ای از آنها باین زبان دیوان شعر هم داشته اند چنانکه در «گلزار اعظم» آمده است که شعرای ذیل صاحب دیوان فارسی بودند

۱- استثنائاً اینها اعتراضات معترضین را با اعتراضات و اصف ذکر کرده است و در هیچ

مورد جواب این اعتراضات پرداخته است

مولوی محمد باقر آگاه و شیخ محمد امین امین و مولوی میرزا سعید خان ابجدی و نورالدین محمد خان انور و سید نظام الدین احقر و حافظ شاه انوار الحق انوار نقشبندی و غلام احمد احمدی و رضا حسین خان بهادر افسر و شاه محمد عزیز الدین قادری دیک و سید عبداللطیف ذوقی و سید احمد راغب و مولوی محمد حسین راقم قادری و سید محمد خان بهادر سخن اصفهانی و غلام محی الدین شایق و شمس الدوله غلام عبدالقادر خان شمس و میر علی مردان یکدل و مولوی شاه و حبه اله طالب و مولوی عبدالودود عاشق و قدرت اله خان قدرت و مولوی جاقظ شاه عبدالقادر مهربان و دوالمقار الدوله محمد علی حسین خان بهادر و سیف الملک محمد انور خان خان بهادر، محتار و غلام - محی الدین محر

همچنین بعضی از این شعرا تالیفات دیگر هم به عاریت داشته اند که برخی از آنها را بواب اعظم در تذکره «گلزار اعظم» ذکر نموده است مانند: بهجت و تما و مولوی محمد حسن و خوشنود و شاه محمد عزیز الدین دید قادری و ذوقی و راقم و شایان و شمس و شاعر و میر مرتضی منروی و مهربان و مولوی تراب علی یامی و باطر و والا و واصف .

سبک انشای مؤلف

سبک انشای مؤلف غالباً ساده است اما گاهی سعی کرده است بشر مصنوعی بنویسد مخصوصاً در موقع تعریف شعرا بشر مصنوعی پرداخته است
در ذیل نام اکثر شعرا در موقع نقل اشعار آنان جمله ای مصنوعی به معنی «اینک اشعار او و غالباً بصابت تحلیص شاعر چنان آورده است مثلاً :
ابجدی - در داستان سخن ابجد مضامین بدین آئین تعلیم میکند
قاسمی احمد احمد قاضی فکروش در دار الاصفاف معنی پابی چنین داد
سخن سجی میدهد

۱- اینجا اعتراضات متعرضین را اعترافات واصف ذکر کرده است و در هیچ مورد جواب این اعتراضات پرداخته است

امداد : بطبع وقادش بدینگونه امداد سخن میکند .
 امتیاز : چهره شاهد کلامش بغاره رنگین مضامین بدین آئین حسن امتیاز دارد.
 حاجی : حاجی فکرش درجیل العرفات ونگین خیالی باین نازک ادائی لبیک
 همچنین دردیلم نام اکثر شعرا جمله ای مصنوع بمعنی « فوت کرد » آورده
 است مثلاً :

ابجدی : درسنه ۱۱۹۳ هـ ازاین دارفانی رخت هستی بر بست .
 انست - درسنه ۱۲۰۴ هـ رخت هستی ازاین جهان گذران بر بست و سه شهر
 خاموشان پیوست -

اطقیری : در ۱۲۳۴ هـ رخت ازایجهان فانی بر بست و بر چهار بالش ملک جوادانی
 مربع نشست

رویهمرفته این تذکره اربحاط اصالت مطلب و انتخاب اشعار خیلی مهم است
 مخصوصاً از نظر نقد شعر بعد از تذکره آرزو میتوان آنرا بهترین تذکره حساب کرد.
 نسخه خطی رجوع شود به آصعیه ح ۱ ص ۳۲۲ ش ۳۸ (مورخ ۱۳۰۲ هـ) .

چاپ - در مدراس مطبع سرکاری (دولتی) بسال ۱۲۷۲ هـ بطبع رسید .
 فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به چاپ مدراس ص ۷-۲ .

برای شرح حال مولف رجوع شود به بحث در باره «صح و وطن» در این کتاب.

فصل سوم

از آغاز سلطت انگلستان (۱۸۵۷م = ۱۲۷۶هـ) تا ۱۹۳۰م مطابق ۱۳۴۹ هـ

